**چکیده**

يكي از مهمترین مباحث در حوزه حقوق بين الملل و اديان، نقش اديان مهم جهان در روابط با پيروان مذاهب ديگر مي باشد. روابط انسان ها با يكديگر هنگامی مي تواند از آسيب پذير بودنپ مصون بماند كه بر اساس ملاك هاي منطقي، معقول و عادلانه تنظيم شده باشد و مكتبي كه عادلانه ترين ملاك ها را براي تنظيم روابط انسان ها ارائه دهد، موفق ترين و سازنده ترين مكتب به شمار مي رود..

در اين پژوهش، نقش مسيحيت و پيروان اين دين در رفتار با پيروان مذاهب ديگر مورد بررسی قرار مي گيرد. مهم ترين منبع، قرآن كريم، انجيل، كتب تفسيري و تاريخي مي باشد. بر اساس شواهد کافي، اين عده همواره در طول تاريخ برتري جويي و نژادپرستي را نسبت به پيروان مذاهب ديگر مثل مسلمانان و يهوديان اعمال مي نمودند و حتي نسبت به همنوعان مسيحي خود به تكفير، شكنجه، قتل و آدم سوزي متوسل مي شدند كه محكمه هاي تفتيش عقايد، شاهدي بر اين مدعاست.

انصاف اين است كه اديان آسماني از جمله دين مسيحيت، ظلم و ستم را قبول ندارند. با اين وجود، به اسم مسيحيت، و در راه حضرت مسيح، خون هاي زيادي در تاريخ ريخته شده است. بلكه قارّه اروپا كه مقرّ مسيحيت محسوب مي شود در طي هزار ساله اخير مركزي براي جنگ و خون ريزي بوده است. آيا مي توان گفت: كه صلح و همزيستي در دين مسيحيت، يك حقيقت واقعي است يا مسيحيت بر اساس محبت و صلح استوار است؟ویا ایا می توان گفت با توجه به پیشینه تاریخی مسحیت نسبت به دین اسلام دین صلح طلب بوده ست؟

واژگان کلیدی

مسیحیت،صلح،جنگ صلیبی،اسلام